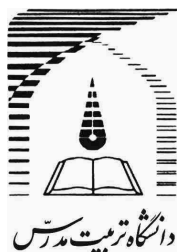


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته تاریخ و فلسفه‌ی آموزش و پرورش گرایش تعلیم و تربیت اسلامی

تبیینی از چیستی نظریه و چگونگی نظریه پردازی تربیتی
و نقد آن بر اساس واقع‌گرایی صدرایی

علی لطیفی

استاد راهنما
حجت‌الاسلام دکتر علیرضا صادق‌زاده قمصری

استاد مشاور
حجت‌الاسلام دکتر حمید پارسانیا


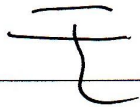

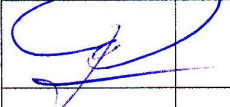

دی‌ماه ۱۳۸۸

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیأت داوران نسخه نهایی پایان نامه آقای علی لطیفی تحت عنوان:

تبیین چیستی نظریه و چگونگی نظریه پردازی تربیتی و نقد آن بر اساس واقع گرایی صدرایی

را از نظر شکل (فرم) و محتوی بررسی نموده و پذیرش آن را برای دریافت درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

ردیف	اعضای هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضا
۱	استاد راهنما	دکتر علیرضا صادق زاده قمصری	استادیار	
۲	استاد مشاور	دکتر حمید پارسانیا	استادیار	
۳	نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر محسن ایمانی	استادیار	
۴	استاد ناظر	دکتر خسرو باقری	استاد	
۵	استاد ناظر	دکتر محسن ایمانی	استادیار	

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه می باشد، باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجراست.

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده 1: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده 2: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته تاریخ و فلسفه ی آموزش و پرورش است که در سال 1388 در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب آقای دکتر علیرضا صادق زاده قمصری، مشاوره جناب آقای دکتر حمید پارسانیا از آن دفاع شده است.»

ماده 3: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده 4: در صورت عدم رعایت ماده 3، 50% بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده 5: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده 4 را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده 6: اینجانب علی لطیفی دانشجوی رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش مقطع کارشناسی ارشد، تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: علی لطیفی

تاریخ و امضا:

من جنس نبی سرو پایم کہ سبیل افتادم
او کہ می رفت مرا ہم بدل دریا بُرد

تقدیم

علامہ سید محمد حسین طباطبائی

رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ

با تقدیر و سپاس فراوان از تمامی آنانی که با گفتار و رفتار خود به این کمترین چیزی آموختند؛ از استاد راهنمای گرامی حجت‌الاسلام دکتر علیرضا صادق‌زاده و استاد مشاور بزرگوار، حجت‌الاسلام دکتر پارسانیا؛ از اساتید محترمی که زحمتِ ارزیابی این نوشته را پذیرفتند؛ از تمامی اساتید و دوستانم که یاری‌گرم بوده‌اند؛ ... و از خانواده‌ی همواره پشتیبانم، به‌ویژه پدر و مادر ارجمند و همسر بزرگوارم. و ستایش، تنها از آن خداست.

چکیده:

بحث از چیستی نظریه‌ی تربیتی و روش نظریه‌پردازی در تربیت، از مهم‌ترین مسائل در فلسفه‌ی دانش تربیتی است. پژوهش حاضر به تبیین دیدگاه‌های ولفگانگ برزینکا و ویلفرد کار به‌عنوان دو فیلسوف تربیتی که به بررسی تفصیلی چیستی نظریه‌ی تربیتی پرداخته‌اند، اهتمام می‌ورزد. نقد و تحلیل دیدگاه‌های این دو اندیشمند درباره‌ی نظریه‌ی تربیتی و نظریه‌پردازی در تربیت، با نقد مبانی آنها در فلسفه‌ی علوم اجتماعی و انسانی انجام می‌پذیرد. نقطه‌ی اتکا در این نقد مبنایی، اصول و قواعد واقع‌گرایی صدراپی (به‌عنوان نوعی واقع‌گرایی پیشرفته و انتقادی) است.

به باور برزینکا، نظریه‌های تربیت به سه دسته‌ی کلی نظریه‌های علمی، نظریه‌های فلسفی و نظریه‌های عملی تقسیم می‌شوند که هر یک از این دسته‌ها، ویژگی‌ها و ملاک‌های ارزیابی ویژه‌ی خود را دارا هستند. ویلفرد کار نیز معتقد است نظریه‌ی تربیتی به‌منظور حل مسائل تربیت که همیشه مسائلی عملی هستند، صورت‌بندی می‌شود و به‌همین خاطر، در عمل و به‌وسیله‌ی عمل تدوین شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. دیدگاه برزینکا، بر نوعی تجربه‌گرایی تعدیل‌یافته استوار است که معرفت تجربی را آرمان هرگونه شناخت می‌داند، همان‌گونه که دیدگاه ویلفرد کار نیز مبتنی بر رویکرد نظریه‌ی انتقادی است که علاوه بر وابسته به زمینه دانستن هرگونه شناخت و انکار شناخت عینی، ملاک صدق و حقیقت یک ادعای معرفتی را اجماع گفتمانی بر آن ادعا می‌داند.

این پژوهش با بررسی مهم‌ترین رویکردهای رایج در فلسفه‌ی علوم اجتماعی (تجربه‌گرایی، تفسیرگرایی و نظریه‌ی انتقادی)، آشکار می‌سازد که بر اساس واقع‌گرایی صدراپی، تمامی این رویکردها از ارائه‌ی روایتی معتبر و قابل اتکا از شناخت ناتوانند و مقصد نهایی همه‌ی آنها، شکاکیت است. بر این اساس، دیدگاه‌های برزینکا و کار درباره‌ی چیستی نظریه‌ی تربیتی نیز به‌خاطر ابتنا بر تجربه‌گرایی و نظریه‌ی انتقادی، دچار مشکل شکاکیت شده و راه به معرفت و دانش نمی‌برند.

کلیدواژه‌ها: نظریه‌ی تربیتی، نظریه‌پردازی تربیتی، ویلفرد کار، برزینکا، تجربه‌گرایی، تفسیرگرایی،

نظریه‌ی انتقادی، واقع‌گرایی صدراپی.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۱
۰-۱: مقدمه	۲
۱-۱: بیان مسئله و هدف پژوهش	۶
۲-۱: پرسش‌های پژوهش	۶
۳-۱: فرضیات پژوهش	۷
۴-۱: اهمیت و ضرورت پژوهش	۸
۵-۱: روش پژوهش و چگونگی نقد و بررسی داده‌ها	۹
فصل دوم: پیشینه‌ی نظری و عملی پژوهش	۱۰
۰-۲ مقدمه	۱۱
۱-۲ پیشینه نظری:	۱۱
۱-۱-۲ مفاهیم اساسی	۱۱
۱-۱-۲-۱ تربیت	۱۱
۱-۱-۲-۲ فلسفه، علم	۱۵
۱-۱-۲-۳ علوم اجتماعی و انسانی	۱۷
۱-۱-۲-۴ رویکردهای معاصر در فلسفه‌ی علوم اجتماعی	۱۸
۱-۱-۲-۱-۴ رویکرد اثبات‌گرایی	۲۰
۱-۱-۲-۲-۴ تاریخچه اثبات‌گرایی	۲۰
۱-۱-۲-۳-۴ رویکرد تفسیری	۲۶
۱-۱-۲-۴-۴ ریشه‌های تاریخی تفسیرگرایی: هرمنوتیک	۲۷
۱-۱-۲-۵-۴ رویکرد نظریه‌ی انتقادی	۳۰
۱-۱-۲-۶-۴ تاریخچه نظریه‌ی انتقادی	۳۰
۱-۱-۲-۵-۱ نظریه، فرانظریه	۳۲
۱-۱-۲-۶-۱ نظریه‌ی تربیتی	۳۵
۱-۱-۲-۶-۱-۱ معرفی ولفگانگ برزینکا	۳۸
۱-۱-۲-۶-۱-۲ معرفی ویلفرد کار	۳۹
۱-۲ مفروضات پژوهش در مرحله‌ی نقد و بررسی دیدگاه‌ها	۴۰
۱-۲-۱ مقدمه: نقد مبنایی، نقد بنایی	۴۰
۱-۲-۲ واقع‌گرایی و مراتب آن	۴۱
۱-۲-۳ واقع‌گرایی صدراپی	۴۳

۴۶	۲-۱-۲-۴ اصول واقع‌گرایی صدرایی
۵۳	۲-۲ پیشینه عملی
۵۴	۱-۲-۲ پژوهش‌های خارجی
۵۶	۲-۲-۲ پژوهش‌های داخلی
۶۰	فصل سوم: مهم‌ترین دیدگاه‌ها درباره چیستی نظریه و چگونگی نظریه‌پردازی تربیتی
۶۱	۰-۳: مقدمه
۶۱	۱-۳: نظریه‌ی تربیتی از دیدگاه ولفگانگ برزینکا
۶۱	۱-۱-۳: کلیات دیدگاه برزینکا
۶۴	۲-۱-۳: نظریه‌های علمی تربیت
۶۵	۱-۲-۱-۳: ماهیت علم تربیت
۶۹	۲-۲-۱-۳: ویژگی‌های نظریه‌ی علمی
۶۹	۱-۲-۲-۱-۳: نظریه و گزاره‌های قانون‌وار
۷۱	۲-۲-۲-۱-۳: توصیف، تبیین و پیش‌بینی به‌عنوان سه هدف عمده نظریه
۷۴	۳-۲-۲-۱-۳: نظریه و گزاره‌های قانون‌وار در علوم اجتماعی و انسانی
۷۸	۳-۲-۱-۳: فرآیند نظریه‌پردازی و ارزیابی نظریه‌های علم تربیتی
۸۳	۳-۱-۳: نظریه‌های فلسفی تربیت
۸۳	۱-۳-۱-۳: فلسفه و تلقی‌های متفاوت از آن
۸۶	۲-۳-۱-۳: فلسفه‌ی تعلیم و تربیت
۸۷	۱-۲-۳-۱-۳: فلسفه‌ی هنجاری تربیت
۹۱	۲-۲-۳-۱-۳: تولید، گزینش و داوری هنجارها
۹۳	۴-۱-۳: نظریه‌های عملی تربیت
۹۴	۱-۴-۱-۳: چیستی نظریه‌ی عملی تربیت
۹۵	۲-۴-۱-۳: مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه‌ی عملی تربیت
۹۶	۳-۴-۱-۳: داوری و نقادی نظریه‌های عملی تربیت
۱۰۰	۲-۳: نظریه‌ی تربیتی از دیدگاه ویلفرد کار
۱۰۰	۱-۲-۳: دیدگاه‌های کار
۱۰۰	۱-۱-۲-۳: کلیات
۱۰۲	۲-۱-۲-۳: چیستی تربیت
۱۰۵	۳-۱-۲-۳: نظریه‌ی تربیتی - علم تربیتی
۱۱۱	۴-۱-۲-۳: پژوهش تربیتی انتقادی
۱۱۳	۵-۱-۲-۳: کنش‌پژوهی، نمونه‌ای از پژوهش تربیتی انتقادی
۱۱۶	۶-۱-۲-۳: تربیت بدون نظریه، آخرین ایستگاه ویلفرد کار
۱۲۰	فصل چهارم: نظریه از دیدگاه مهم‌ترین رویکردهای معاصر در فلسفه علوم اجتماعی

۱۲۱ ۰-۴: مقدمه
۱۲۲ ۱-۴: رویکرد اثبات‌گرا-تجربه‌گرا
۱۲۲ ۱-۱-۴: مقدمه
۱۲۴ ۲-۱-۴: مفهوم نظریه از دیدگاه اثبات‌گرایان
۱۲۷ ۳-۱-۴: مهم‌ترین دیدگاه‌های اثبات‌گرایی
۱۲۷ ۱-۳-۱-۴: اصالت تجربه و مشاهده
۱۳۰ ۱-۱-۳-۱-۴: مسئله‌ی اول: مشکل استقراء
۱۳۱ ۲-۱-۳-۱-۴: تفکیک بین مقام کشف و مقام داوری برای حل مسئله
۱۳۲ ۳-۱-۳-۱-۴: مسئله‌ی دوم: مشکل رابطه‌ی مشاهده و نظریه
۱۳۵ ۲-۳-۱-۴: علم طبیعی، ایده‌آلی برای هرگونه شناخت
۱۳۷ ۳-۳-۱-۴: رابطه‌ی علم و ارزش
۱۳۸ ۴-۱-۴: تأثیرات رویکرد اثبات‌گرا در تعلیم و تربیت
۱۴۰ ۵-۱-۴: ملاحظات انتقادی واقع‌گرایی صدرایی درباره‌ی نظریه از نگاه تجربه‌گرایان
۱۴۰ ۱-۵-۱-۴: تجربه و مشاهده به عنوان پایه‌ی معرفت
۱۴۴ ۲-۵-۱-۴: علم و متافیزیک
۱۴۶ ۶-۱-۴: انتقادات مبنایی واقع‌گرایی صدرایی به نظریه‌ی تربیتی برزینکا
۱۵۱ ۲-۴: رویکرد تفسیرگرا
۱۵۱ ۱-۲-۴: مقدمه
۱۵۱ ۲-۲-۴: مهم‌ترین آراء تفسیرگرایان
۱۵۱ ۱-۲-۲-۴: هرمنوتیک به عنوان روش تحقیق در علوم انسانی
۱۵۵ ۲-۲-۲-۴: وبر و فهم کنش‌های معنادار
۱۵۷ ۳-۲-۴: نظریه از دیدگاه تفسیرگرایان
۱۵۸ ۴-۲-۴: کاربرد رویکرد تفسیرگرایی در تعلیم و تربیت
۱۶۰ ۵-۲-۴: ملاحظات انتقادی واقع‌گرایی صدرایی درباره‌ی رویکرد تفسیرگرایی
۱۶۳ ۳-۴: نظریه‌ی انتقادی
۱۶۳ ۱-۳-۴: مقدمه
۱۶۳ ۲-۳-۴: مهم‌ترین دیدگاه‌ها
۱۶۴ ۱-۲-۳-۴: مفهوم نظریه در دو تلقی سنتی و انتقادی
۱۶۶ ۲-۲-۳-۴: نقادی درونی و بازاندیشی
۱۶۷ ۳-۲-۳-۴: علم رهایی‌بخش هابرماس
۱۷۰ ۴-۲-۳-۴: خرد ابزاری و خرد ارتباطی
۱۷۳ ۵-۲-۳-۴: گفتمان و بازاندیشی
۱۷۶ ۶-۲-۳-۴: رابطه‌ی نظریه و عمل

۱۸۰	تأثیرات نظریه‌ی انتقادی در تعلیم و تربیت
۱۸۱	ملاحظات انتقادیِ واقع‌گراییِ صدرایی درباره‌ی نظریه‌ی انتقادی
۱۸۲	اجماع گفتمانی هابرماس، پایه‌ی اعتبار نظریه در علوم انسانی
۱۸۷	انتقادات مبناییِ واقع‌گراییِ صدرایی به نظریه‌ی تربیتی ویلفرد کار
۱۹۱	فصل پنجم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۹۲	بررسی سؤالات و فرضیه‌ها
۱۹۸	واقع‌گراییِ صدرایی به عنوان ملاک نقد، واقع‌گراییِ صدرایی به عنوان چارچوب تولید
۲۰۰	محدودیت‌های پژوهش
۲۰۱	پیشنهادات پژوهشی
۲۰۳	منابع فارسی و عربی
۲۱۳	منابع انگلیسی
۲۱۸	چکیده انگلیسی

فهرست جدول‌ها و طرح‌ها

- طرح ۱-۳: رابطه‌ی بین تربیت و سطوح مختلف معرفت تربیتی ۶۲
- طرح ۲-۳: هنجارهای مورد نیاز در عمل تربیتی ۹۰
- طرح ۳-۳: وظایف فلسفه‌ی دستوری تربیت ۹۱
- جدول ۱-۴: سطوح گزاره‌ها در علم ۱۲۵
- جدول ۲-۴: سه دسته علایق انسانی، نوع و روش معرفت مرتبط به هرکدام از آنها ۱۷۰

فصل اوّل:

کلیّات

۱-۰ مقدمه

(۱)

علوم تربیتی، مجموعه‌ای از دانش‌های سازمان‌یافته است که از پژوهش و اندیشیدن درباره‌ی امور مربوط به تربیت فراهم شده است (کاردان ۱۳۸۰: ۱). این مجموعه که رشته‌ای علمی از خانواده‌ی علوم انسانی-اجتماعی است، علی‌رغم عمر کوتاه آکادمیک خود (حداکثر صد سال (میلارده ۱۳۷۵: شش و هفت))، به یکی از رشته‌های تأثیرگذار در علوم انسانی تبدیل گشته است. در عین حال، یکی از مهمترین عواملی که مانع گسترش، کاربرد و تعمیق علمی این رشته گشته، ابهام و آشفتگی موجود در ادبیات و پژوهش‌های آن است: «در مباحث تربیتی و متون مربوط به موضوعات آموزشی و پرورشی، کمبود غم‌انگیزی از وضوح و روشنی دیده می‌شود. تعلیم و تربیت بیش از هر موضوع دیگری دچار مفاهیم مبهم و تعابیر غیر دقیق و کم‌مایه است ... تلاش نظری مفید و نظام‌مند در علوم تربیتی تنها در صورتی ممکن است که پیش از انجام هر کاری، مفاهیم به‌کار بسته شده در این حوزه مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد» (Brezinka 1994: xi). از دیگر سو، یکی از اشکالات رایج در پژوهش‌هایی که به بررسی نسبت معرفتی انواع علوم (از جمله علوم تربیتی) و تعالیم دین اسلام پرداخته‌اند نیز همین «ابهام و مشخص نکردن محل نزاع» و «عدم تعیین مبانی و مفروضات نظری بنیادین» است (صادق‌زاده ۱۳۸۲). به همین خاطر است که هرگونه تلاش نظری ثمربخش در تعلیم و تربیت و به‌ویژه تعلیم و تربیت اسلامی، در ابتدا نیازمند تحلیل دقیق حوزه‌ها و مفاهیم موجود در فرآیند تربیت و علوم تربیتی است.

(۲)

نظریه‌ها - به معنای مجموعه‌ای از گزاره‌های نظام‌مند درباره‌ی یک یا چند پدیده‌ی مورد نظر رشته‌ی علمی - محوری‌ترین عنصر هر رشته‌ی علمی به‌شمار می‌آیند و دارای حدود، ابعاد و کارکردهای مختلفی هستند که از علمی به علم دیگر و از مبنایی به مبنای دیگر متفاوت است. آنچه بیش از هر چیز، ماهیت یک نظریه، چگونگی صورت‌بندی آن و کارکرد آن را تعیین می‌نماید، دیدگاه نظریه‌پرداز درباره‌ی خود و جهان خارج از خود و چگونگی شناخت خود و جهان خارج از خود است. به عبارت دیگر، پیش‌فرض اساسی هر نظریه و هرگونه نظریه‌پردازی، پذیرش - صریح یا ضمنی - مبانی کلی‌تری است که معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه هستند.

(۳)

در تعبیری کلی، هرگاه دانشمند تربیتی به پژوهش درباره‌ی یک پدیده‌ی تربیتی (مثلاً چگونگی یادگیری دانش‌آموزان در شرایطی ویژه) بپردازد، مشغول فعالیتی نظریه‌ای است که حاصل این فعالیت، در قالب یک نظریه‌ی تربیتی صورت‌بندی می‌شود. موضوع پژوهش در یک فعالیت نظریه‌ای، یک پدیده‌ی خارجی است. اما هرگاه یک دانشمند به بررسی و تحلیل یک نظریه یا مجموعه‌ای از نظریه‌های ارائه شده درباره‌ی یک یا چند پدیده بپردازد، مشغول فعالیتی فرآنظریه‌ای است و دیدگاهی که در پایان به آن می‌رسد، فرآنظریه‌ی تربیت نامیده می‌شود. موضوع پژوهش در یک فعالیت فرآنظریه‌ای، نظریه‌ی تربیتی است. با توجه به این بیان، هرگونه سخن گفتن درباره‌ی «نظریه‌ی تربیتی»، فعالیتی فرآنظریه‌ای خواهد بود. برخی اندیشمندان و فیلسوفان در رشته‌ی علوم تربیتی به این مسئله پرداخته‌اند که اساساً چیستی یک «نظریه‌ی تربیتی» در کلی‌ترین معنا چیست و چگونه و بر اساس چه معیارهایی، باید به صورت‌بندی و تولید نظریه‌ی تربیتی پرداخت؟ این فیلسوفان، به توصیف «نظریه‌ی تربیتی» مطلوب از دیدگاه خود و بر اساس مبانی خود پرداخته‌اند. ولفگانگ برزینکا^۱ و ویلفرد کار،^۲ دو نمونه از مهم‌ترین پژوهشگرانی هستند که به این کار اهتمام ورزیده‌اند.

(۴)

1 - Wolfgang Brezinka

2 - Wilfred Carr

مبانی معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه‌ای که پیش‌فرض هر نظریه و هرگونه نظریه‌پردازی هستند، در رشته‌هایی هم‌چون فلسفه‌ی علم (که بیشتر به بررسی و تحلیل مبانی نظریه و روش علمی در علوم طبیعی می‌پردازد) و فلسفه‌ی علوم اجتماعی (که به تحلیل مبانی فلسفی علوم اجتماعی و انسانی می‌پردازد) به بحث و بررسی گذاشته می‌شوند. علوم تربیتی نیز به خانواده‌ی دانش‌های اجتماعی-انسانی تعلق دارد و بی‌تردید، برای فهم درست معنای نظریه از نگاه اندیشمندان تربیتی نیازمند شناخت دقیق مبانی آنان در فلسفه‌ی علوم اجتماعی هستیم چرا که هر مکتب فلسفی و علم‌شناسی، تعریف و روش‌شناسی خاصی برای نظریه و تولید آن به دنبال دارد (پارسانیا، ۱۳۸۵: سی و دو).

از میان دیدگاه‌های متفاوت و متنوعی که در فلسفه‌ی علوم اجتماعی مطرح است، سه دیدگاه از اهمیت و گستردگی بیشتری برخوردارند: اثبات‌گرایی یا تجربه‌گرایی، تفسیرگرایی و نظریه‌ی انتقادی.^۱ این سه رویکرد، بیشترین تأثیرات را در اکثر جریان‌ها و نظریات علوم انسانی (و از جمله علوم تربیتی) داشته‌اند.

(۵)

پیش از هرگونه تلاش جهت ارائه‌ی دیدگاهی صائب درباره‌ی چیستی نظریه‌ی تربیتی و چگونگی نظریه‌پردازی در تربیت، در گام نخست و به‌عنوان یک پیش‌نیاز، باید میان دیدگاه‌های فرانظریه‌ای موجود درباره‌ی نظریه‌ی تربیتی به قضاوت نشست. نخستین و مهم‌ترین گونه‌ی داوری بین این دیدگاه‌ها، داوری درباره‌ی مبانی آنها در فلسفه‌ی علوم اجتماعی است، چرا که مبانی، پایه‌ی اعتبار یک دیدگاه به‌شمار می‌آیند و با تزلزل آنها، دیدگاه وابسته به آنها نیز بی‌اعتبار خواهد شد. اما مسئله‌ی مهم در این نوع داوری آن است که این ارزیابی، نیازمند تکیه بر یک مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی استوار به‌عنوان معیار و سنج‌ی داوری است.

واقع‌گرایی به‌عنوان یکی از مکاتب پرسابقه در تاریخ فلسفه‌ورزی بشر، از اهمیت بسزائی در دو حوزه‌ی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی برخوردار است، به‌ویژه اینکه ریزبینی‌ها و تأملات انتقادی

۱ - در فصل دوم، به تفصیل بیشتری به بحث از رویکردهای معاصر در فلسفه‌ی علوم اجتماعی خواهیم پرداخت.

فیلسوفان اسلامی خصوصاً فیلسوفان مکتب صدرایی، معرفت‌شناسی واقع‌گرایانه را از بسیاری از اشکالات پیشین رئالیسم خام پیراسته، و ظرفیت آن را برای حضور قوی‌تر در عرصه‌های نظریه‌پردازانه‌ی علوم اجتماعی-انسانی و تجربی بیشتر نموده است. «روش رئالیستی حکمت صدرایی که در استمرار و امتداد تلاش‌های فلسفی دنیای اسلام سازمان یافته است، به دلیل توانمندی‌های فلسفی و معرفت‌شناختی خود، ضمن آنکه جنبه‌ی شناختاری علم و معرفت و جهت صدق و کذب آن را حفظ می‌کند، ارتباط ساختاری بُعد تجربی دانش را با دیگر مراتب معرفتی، و روش ارزیابی علمی مراتب غیر تجربی معرفت را تبیین می‌کند و در نتیجه ... قدرت نقادی را به علوم انسانی اعطا می‌کند» (پارسانیا، ۱۳۸۵: بیست و شش).

(۶)

پژوهش حاضر به‌منظور بررسی دو دیدگاه درباره‌ی نظریه‌ی تربیتی، ارتباط این دیدگاه‌ها با رویکردهای رایج در فلسفه‌ی علوم اجتماعی (به‌عنوان مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی) و نقد آنها بر اساس نقدهایی که به مبانی آنها وارد است، سازمان یافته است. این پژوهش، از پنج فصل تشکیل شده است: پس از فصل نخست که به بیان کلیات تحقیق می‌پردازد، فصل دوم به پیشینه‌ی نظری و عملی این موضوع خواهد پرداخت. در بحث از پیشینه‌ی نظری، برخی مفاهیم پایه‌ای همانند تربیت، علم، فلسفه، فلسفه‌ی علوم اجتماعی-انسانی، نظریه و نظریه‌ی تربیتی مورد بررسی اجمالی قرار خواهند گرفت. هم‌چنین در این بخش، برخی از مهم‌ترین اصول واقع‌گرایی صدرایی که برای نقد دیدگاه‌ها مورد استفاده واقع می‌شوند، ارائه خواهند شد. در فصل سوم به تبیین آراء دو اندیشمند تربیتی -برزینکا و کار- درباره‌ی نظریه‌ی تربیتی و ارتباط این آراء، با رویکردهای رایج فلسفه‌ی علوم اجتماعی پرداخته خواهد شد. فصل چهارم به تبیین سه رویکرد رایج در فلسفه‌ی علوم اجتماعی و نقد آنها -و به تبع این نقد، نقد دیدگاه‌های برزینکا و کار- بر اساس اصول واقع‌گرایی صدرایی اختصاص دارد. فصل پایانی نیز به جمع‌بندی مطالب تحقیق، بیان برخی محدودیت‌ها و آرائه‌ی پیشنهادات پژوهشی برای تحقیقات آینده در این حوزه خواهد پرداخت.

۱-۱ بیان مسئله و هدف پژوهش

تمرکز محوری این پژوهش در پرداختن به این مسئله خواهد بود که: نظریه‌ی تربیتی چیست و مؤلفه‌های اساسی آن کدامند؟ چگونه تولید شده و با چه معیارهایی سنجیده می‌شود؟ همان‌گونه که در مقدمه گذشت، ارائه‌ی هرگونه تبیین از چیستی نظریه‌ی تربیتی و فرآیند تولید و ارزیابی آن، بدون اتکا بر مبانی علم‌شناختی ویژه امکان‌پذیر نیست. بر اساس این نکته، تنها در صورتی می‌توان با موفقیت به تحلیل و بررسی دیدگاه‌ها درباره‌ی چیستی نظریه‌ی تربیتی پرداخت که به ریشه‌های آن در فلسفه‌ی علوم انسانی-اجتماعی نیز عنایت داشت. به‌همین خاطر، این پژوهش می‌کوشد با بررسی تبیین‌های ارائه شده توسط ولفگانگ برزینکا و ویلفرد کار -به‌عنوان دو متفکر صاحب‌نظر در مباحث فرآنظریه‌ای تربیت- از نظریه‌ی تربیتی، وابستگی‌های این دو دیدگاه نسبت به سه رویکرد اصلی در فلسفه‌ی علوم اجتماعی (اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و نظریه‌ی انتقادی) را آشکار سازد و با توجه به نقدهایی که -بر اساس واقع‌گرایی صدراپی- به این سه رویکرد وارد می‌نماید، به نقد و بررسی تبیین‌های برزینکا و کار از نظریه‌ی تربیتی بپردازد.

با این حساب، هدف اصلی این پژوهش ارائه‌ی دو دیدگاه پیرامون چیستی نظریه‌ی تربیتی و چگونگی نظریه‌پردازی در تربیت و نقد مبنایی این دیدگاه‌ها با اتکا بر واقع‌گرایی صدراپی است.

۲-۱ پرسش‌های پژوهش

سؤالات این تحقیق عبارتند از:

۱) اهم دیدگاه‌های فرآنظریه‌ای فیلسوفان تعلیم و تربیت درباره‌ی نظریه‌ی تربیتی چه نسبت و رابطه‌ای با رویکردهای رایج در فلسفه‌ی علوم اجتماعی دارند؟ این سؤال، از دو سؤال فرعی ذیل تشکیل یافته‌است:

۱-۱) مهم‌ترین فیلسوفان تعلیم و تربیت که به‌صورت تفصیلی به بحث فرآنظریه‌ای در تربیت

پرداخته‌اند، چه تبیینی از چیستی نظریه و چگونگی نظریه‌پردازی تربیتی ارائه نموده‌اند؟

۲-۱) این تبیین‌ها در چه بخشها و زمینه‌هایی به مهم‌ترین رویکردهای رایج در فلسفه‌ی علوم اجتماعی وابسته هستند؟

۲) بر اساس واقع‌گرایی صدراپی، مهم‌ترین رویکردهای رایج در فلسفه‌ی علوم اجتماعی-انسانی (رویکردهای اثبات‌گرایی، تفسیری و انتقادی) درباره‌ی چیستی نظریه و چگونگی نظریه‌پردازی، دارای چه نقاط ضعف و قوتی هستند؟

۳) با توجه به نقدهای وارد بر رویکردهای رایج در فلسفه‌ی علوم اجتماعی، مهم‌ترین دیدگاه‌های فرانظریه‌ای فیلسوفان تعلیم و تربیت - در دو بخش تبیین چیستی نظریه و چگونگی نظریه‌پردازی تربیتی - از جهت مبنایی دارای چه نقاط قوت و ضعفی هستند؟

۳-۱ فرضیه‌های پژوهش^۱

فرضیه‌های اساسی این پژوهش عبارتند از:

۱) رویکردهای مختلف فیلسوفان تعلیم و تربیت در تبیین ماهیت نظریه‌ی تربیتی، متأثر از فلسفه‌ی علوم اجتماعی رایج در دوره‌ی هر یک از آنان است.

۲) سه رویکرد عمده در فلسفه‌ی علوم اجتماعی (یعنی اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و انتقادی) به‌رغم این‌که هر کدام به جنبه‌هایی از حقیقت نظریه و نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی دست یافته‌اند، اما نقطه‌ی ضعف عمده‌ی آنان، نپرداختن به تمامی ابعاد واقعی، تحلیلی و عملی در نگاهی جامع‌نگر و در واقع، نوعی تقلیل‌گرایی در تبیین چیستی نظریه است.

۳) مهم‌ترین دیدگاه‌ها پیرامون نظریه‌ی تربیتی و چگونگی نظریه‌پردازی در تربیت، به‌خاطر ابتناء بر رویکردهای فلسفه‌ی علوم اجتماعی خصوصاً پوزیتیویسم، به‌رغم برخی پیشرفتهای نسبت به دوره‌های قبل خود، دچار نوعی تقلیل‌گرایی و محدودنگری هستند.

۱ - اساس نگارش فرضیه‌ها در این پژوهش، بنابر قانون لازم الاجرای معاونت پژوهشی دانشکده در لزوم نگارش فرضیه در تمامی پایان‌نامه‌ها - حتی پژوهش‌های کاملاً نظری-فلسفی همانند تحقیق حاضر - بوده است. به‌همین خاطر، این فرضیه‌ها نه از جانب پژوهشگر به رسمیت و ارزشمندی شناخته می‌شوند و نه در ساختار پژوهش حاضر جایی دارند.